گفت‌وگو

محمد بهشتی در گفتوگو با «شرق»:

رییس جدید سازمان میراث‌فرهنگی ویرانه تحویل می‌گیرد

صدرا محقق

سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری و صنایع‌دستی پس از گذراندن هشتسال سخت و برخاسته از چند رد دیگر رییس و دولتی جدید و دوره‌ای نو را به خود خواهد دید. در این هشتسال این سازمان تخصصی پایگاه برحاشیه‌ترین مردان و زنان سیاسی دولت احمدی‌نژاد بود. پنج‌رییس و دهها معاون و مدیرکل استانی در این مدت به سازمان آمدند و رفتند.

آمدوشد این مدیران و حاشیه‌هایی که در خلال این رفت‌وآمدها برای سازمان ایجاد شد، به تعبیر بسیاری از کارشناسان حوزه‌های مختلف اعم از میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی شیره‌های بزرگ و گاه جبران‌ناپذیری به ساختار و جایگاه آن وارد کرد. اما خوب یا بد، این دوره تمام شده و حالا در آستانه شروعی جدید است.

اما باید دید در این هشتسال بر سازمان میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی چه گذشته است و فردی که حسن روحانی برای سپردن سکان مدیریت آن انتخاب می‌کند، چه چیزی را تحویل می‌گیرد. نقاط ضعف و قوتش چیست و باید خود را برای چه نوع مدیریتی آماده کند. در بین گزینه‌هایی که تاکنون معرفی شده‌اند قرعه فال مدیریت این سازمان به نام هرکس افتد، باید خودش را برای کاری سخت و بنیادین آغاز کند چه آنکه خیلی از کارشناسان درون و بیرون سازمان معتقدند آنچه بر ساختار این تشکیلات از سال ۸۲ تاکنون رفته است، جز با اصلاحاتی اساسی درست نمی‌شود.

برای پیگیری همین موضوع به سراغ سیدمحمد بهشتی رییس اسبق سازمان میراث‌فرهنگی رفتیم تا نظر او را در این‌باره بشنویم، بهشتی یکی از گزینه‌هایی بود که بسیاری انتخاب او به ریاست این سازمان را انتظار می‌کشیدند و از سوی خیلی‌ها هم به روحانی معرفی و پیشنهاد شده بود، با این حال او این سمت را نپذیرفت.

آنگونه که بهشتی به «شرق» می‌گوید ساختار سازمان در این مدت بیشترین آسیب‌ها و ضربه‌ها را متحمل شده. این حرف‌های او است: «براساس اطلاعاتی که دارم، تقریبا هیچ‌چیز، هیچ‌چیز و هیچ‌شخصی در این هشت سال در سازمان از آسیب مصون نماند. انگار که افایان درمین

برداشته بودند و به هرجایی که آسیب ندیده بود بالاخره یک آسیبی وارد کردند. بنظرم می‌رسد قصد و غرضی برای این کار وجود داشت. البته من اصیدوارم اینطور نبوده باشد، اما وقتی آدم می‌بیند که همه‌چیز آسیب‌دیده این تصور به ذهن متبادر می‌شود.

او همچنین درباره اینکه کدام بخش از سه‌گانه میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی بیشترین هزینه را داده است نیز می‌گوید: «حوزه میراث‌فرهنگی چون آسیب‌ها غیرقابل بازگشت و جبران است و اگر یک محوطه یا بافت تاریخی تخریب شد دیگر نمی‌شود آن را به راحتی بازگرداند زیرا بیشترین ضربه را می‌خورد. اما در حوزه گردشگری یا صنایع‌دستی اگر آسیبی وارد شد حداقل می‌شود با مدیریت درست آن را اصلاح کرد از این جهت خسارت‌های میراث‌فرهنگی، بسیار سنگین‌بود»

دولت حسن روحانی تحلیف شده است و به‌زودی کشاورز را آغاز می‌کند. رییس جدید انتخاب‌شده از سوی رییس‌جمهور نیز همین روزها برای شروع کارش باید سازمان را تحویل بگیرد. اما پرسش این است رییس جدید با توجه به تجربه این هشتسال، سازمان میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی را چه ویژگی‌هایی اعم از مثبت و منفی تحویل می‌گیرد؟ پاسخ بهشتی به این سوال نیز اینگونه بود: «واقعیت این است که اگر بخواهیم وارد جزییات شویم باید خیلی مفصل اتفاقات سازمان را بررسی و تحلیل کنیم، اما اجمالا اگر بخواهم بگویم معتقدم رییس جدید سازمان میراث‌فرهنگی یک ویرانه را تحویل می‌گیرد؛ سازمانی که سازوکارهای مدیریتی‌اش متلاشی شده، سازمانی که اعتبار و جایگاهش نزد افکار عمومی بشدت آسیب‌دیده است. در حالی که پیش از این هشتسال هم در رسانه‌ها و هم در افکار عمومی مسایل مربوط به آن برای مردم اهمیت و جایگاه بسیاری داشت.»

بهشتی ادامه می‌دهد: «در طول سال‌های بعد از انقلاب این سازمان در ضعف‌زدن حالت، به‌خصوص در بخش میراث، سازمانی بود مدافع حفاظت از آثار، اما شاید در پاره‌ای مواقع به دلیل نداشتن بنیه مالی یا نیروی انسانی کافی یا جدی‌نگرفتن حرفش و... ناتوان از حفاظت معرفی شده باشد. ولی در اینکه خواستاران حفاظت از آثار و دفاع از فرهنگ ایران و آثار تاریخی بود تردیدی وجود نداشت. درصورتی که در این هشت سال سازمان در مظان اتهام قرار گرفت که خودش بزرگ‌ترین مخرب آثار تاریخی بوده، نگاه کنید به همکاری سازمان در خروج آثار تاریخی از فهرست آثار ثبت شده ملی، این یک اتفاق بی‌سابقه است. از سال ۱۳۰۹ که اولین اثر ثبت شد تا قبل از این هشتسال ما در تاریخ میراث‌فرهنگی کشور چنین چیزی نداشتیم.»

همان گونه که محمد بهشتی هم گفته است سازمان میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در این هشتسال به این شکل معرفی شده است. از همین رو رییس و مدیران جدیدی که به‌زودی در ساختمان‌های مختلف آن مستقر می‌شوند به تعمیر او میراثی ویرانه را به ارث می‌برند و کاری سخت در پیش خواهند داشت چراکه ساختن و احیای میراثی مخروبه کار آسانی نیست. سازمان در این هشتسال چندپاره شد و بخش‌هایی از آن به استان‌های فارس و اصفهان رفت. بسیاری از کارشناسان و خبرگانی که در استخدام و همکاری با سازمان بودند یا بازنشستگی گرفتند یا از خیر ادامه همکاری گذشتند. بخش‌های مهمی از محوطه‌ها و آثار تاریخی تخریب شد یا آسیب‌های جدی به خود دید. علاوه بر همه اینها جایگاه سازمان با حاشیه‌هایی به‌ربط، گره‌کوری خورد که ضربه‌ای بزرگ به حیثیت آن بود. از همین‌رو دوستداران میراث‌فرهنگی کشور، رسانه‌ها و کارشناسان برای بازگشتن شخصیت و اعتبار واقعی سازمان و از سرگرفتن وظایف قانونی و تخصصی در ساختار کارشناسی آن انتظار می‌کشند. باید دید رییس جدید این سازمان و معاونان و مدیرانی که برای خود برمی‌گزیند تا چه‌اندازه در این عرصه موفق خواهند بود.

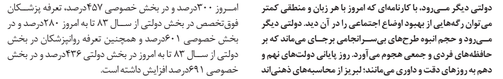

محمدحسین نجاتی

دولتی دیگر می‌رود، با کارنامه‌ای که امروز با هر زبان و منطقی کمتر می‌توان رگه‌هایی از بهبود اوضاع اجتماعی را در آن دید. دولتی دیگر می‌رود و حجم انبوه طرح‌های بی‌سرانجامی برجای می‌ماند که بر حافظه‌های فردی و جمعی هجوم می‌آورد. روز پایانی دولت‌های نهم و دهم به روزهای دفت و داوری می‌مانند: لبریز از محاسبه‌های ذهنی‌اند و دوراهی‌هایی که پیش از هر زمان دیگری جلوه دارند. انتخاب بر سر کرده‌ها و ناکرده‌ها، محدودیت‌ها و فرصت‌ها، داشته‌ها و ازدست‌داده‌ها که گاه به تقدیر ملتی نسبت داده می‌شود. گاه به کسالت‌ها و کاستی‌ها. گاه به تدبیرها و تهدیدها و گاه به کارآمدی‌ها و ناکارآمدی... اینجاست که این پرسش‌ها مدام بر دیواره ذهن می‌کوبند که چرا چنین شد؟ چه ماند و چه باید کرد؟ در دوباره‌نگری هشتسال فعالیت دولت‌های نهم و دهم در حوزه‌های اجتماعی و میراث اجتمعی‌نژاد برای روحانی، برخی رخداد‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. پدیده‌هایی که چون بیماری مزمن، اوج گرفتند و تلخی هولناک خود را بر چهره زمان به رخ می‌کشند. نمی‌توان از افزایش سرسام‌آور هزینه‌های خانوارهای ایران نگفت. خرجی که از دخل سبقت گرفت. منطقی نیست که از افزایش هزینه‌های سلامت، کمبود دارو و جولان بیمارستان‌های خصوصی روایت نکرد. یا آنچه که در این هشتسال بر دانشگاه‌های ایران گذشت. حتی از معلمانی که سفره‌شان با بالارفتن قیمت نرخ تورم لاغر نرشد. نمی‌توان میراث دولت‌های احمدی‌نژاد به دولت یازدهم روحانی را بررسی کرد و نامی از سیاسی‌کاری‌های رایج در اجتماعی‌ترین نهاد دولت یعنی سازمان تامین‌اجتماعی را نبرد. بدهی‌هایی از دولت به سازمان تامین‌اجتماعی که تاریخ پرداخت آنها در سررسیدها ماسیده و نقد نشد. غبارانگیز تر آنکه نمی‌توان از هجوم آسیب‌های اجتماعی، افزایش نرخ بیکاری و تاثیر آن بر آسیب‌ها و آسیب‌ازدشده بر بدنه اخلاقی جامعه بی‌تفاوت عبور کرد. آنچه در دامنه می‌بینید و می‌خوانید، ذره‌ای است از آنچه «میراث محمود احمدی‌نژاد به دولت روحانی در حوزه‌های اجتماعی» خوانده می‌شود؛ اتفاقاتی که در هشتسال رخ داده است و نمی‌توان توقعی برای رفع‌ورجوع آن در زمانی کوتاه داشت.

افزایش ۴۰۰ تا ۷۰۰درصدی ویزیت پزشکان

هزینه‌های درمانی طی ۱۱سال اخیر، بطور سرسام‌آوری افزایش یافته است. بررسی‌های صورت گرفته در روزنامه «شرق» نشان می‌دهد، تعرفه‌های درمانی پزشکان عمومی در بخش دولتی در سال‌جاری در مقایسه با تعرفه‌های درمانی پزشکان عمومی در سال ۱۳۸۳، ۴۰۰درصد و تعرفه‌های پزشکان عمومی در بخش خصوصی در سال‌جاری در مقایسه با سال ۱۳۸۳، ۷۰۰درصد افزایش داشته است. افزایش قابل‌توجهی که به شکل نگران‌کننده، زمینه‌ساز افزایش پرداخت هزینه‌های درمانی از سوی مردم می‌شود. براساس اطلاعات موجود، قیمت ویزیت پزشکان عمومی در بخش دولتی در سال ۱۳۸۳، هزارومدوتومان بوده که در سال‌جاری به پنج‌هزار و ۵۰تومان رسیده است. همچنین ویزیت پزشکان عمومی در بخش خصوصی در سال ۱۳۸۳، هزار و ۴۲۰تومان بود که در سال‌جاری به ۱۱هزار و ۵۰۰تومان رسیده است. افزایش ۴۰۰ تا ۷۰۰درصدی تعرفه‌های درمانی پزشکان عمومی از سال ۸۳ تا به امروز در حالی است که میزان افزایش تعرفه‌ها در میان پزشکان متخصص، فوق‌متخصص و رادیولوژیستان نیز با افزایش بسیار زیادی همراه بوده است. به‌طوری که تعرفه‌های پزشکان متخصص در بخش دولتی از سال ۸۳ تا به امروز ۳۰۰درصد و در بخش خصوصی ۴۵۷درصد، تعرفه پزشکان فوق‌تخصص در بخش دولتی از سال ۸۳ تا به امروز ۲۸۰درصد و در بخش خصوصی ۶۰۱درصد و همچنین تعرفه رادیولوژیستان در بخش دولتی از سال ۸۳ تا به امروز در بخش دولتی ۴۳۶درصد و در بخش خصوصی ۶۹۱درصد افزایش داشته است.

در مجموع تعرفه پزشکان عمومی در بخش دولتی و خصوصی از سال ۸۳ تا ۹۲، ۵۵۰درصد، متخصص ۷۵۷درصد، فوق تخصص ۸۸۱درصد و رادیولوژیست‌ها هزارو۲۶۷درصد افزایش یافته است. در این شرایط براساس بررسی «شرق» اگر این افزایش بسیار زیاد هزینه‌های درمانی را با میزان افزایش حقوق کارمندان و کارگران مقایسه کنیم، هزینه‌های تحمیلی به مردم در دولت‌های نهم و دهم بیش از پیش مشخص می‌شود. به‌طوری که براساس آمار منتزح در روزنامه رسمی (گزارش دولت «ایران» در تاریخ ۲۲ فروردین سال ۹۲) حقوق کارمندان از سال ۱۳۸۴ آغاز فعالیت دولت نهم تا به امروز ۱۰۸درصد و حقوق کارگران از سال ۱۳۸۴ تا به امروز ۱۵۳درصد افزایش یافته است که به هیچوجه مطابقتی با میزان افزایش ۴۰۰ تا ۷۰۰درصدی هزینه‌های درمانی ندانسته است.

سبقت تورم از افزایش حقوق معلمان طی ۸سال اخیر

تورم جاری در کشور طی هشتسال اخیر، با سرعت بالاتری نسبت به میانگین حقوق معلمان پیشروی کرده است. بررسی «شرق» نشان می‌دهد، تورم طی هشتسال اخیر در مجموع ۱۶۴درصد، حقوق کارگران ۱۵۰درصد و حقوق معلمان ۱۰۸درصد افزایش داشته است. بررسی «شرق» نشان می‌دهد، میزان افزایش حقوق فرهنگیان طی هشتسال اخیر در زمان فعالیت دولت نهم و دهم بیش از سرعت افزایش تورم در جامعه جا مانده است. بدتر آنکه حقوق فرهنگیان در مقایسه با سایر کارمندان دولت، میانگین درآمد شغل‌های آزاد در جامعه و کارگران به مراتب پایین‌تر است. اگرچه میانگین دریافتی حقوق فرهنگیان همواره طی ۳۰سال اخیر مورد انتقاد فرهنگیان بوده است، اما کارنامه دولت نهم و دهم نشان می‌دهد این دولت نه‌تنها کمک شایانی به افزایش میزان حقوق معلمان نکرده، بلکه زمینه‌ساز کاهش میزان حقوق معلمان در مقایسه با کارگران شده است. بررسی درصد افزایش حقوق معلمان طی هشتسال اخیر نشان می‌دهد، بیشترین میزان افزایش حقوق معلمان مربوط به سال ۹۲، تا ۲۵درصد، سال ۸۸، با ۱۸درصد و سال ۸۵، با ۱۴درصد است. این در حالی است کمدرصد افزایش تورم در سال‌های ۹۲، ۸۸ و ۸۵ به ترتیب ۳۰، ۱۰ و ۱۱درصد بوده است. از سوی دیگر افزایش‌درصد حقوق معلمان در سال ۹۲ به میزان ۲۵درصد، گرچه در ظاهر میزان بالاتری را نسبت به سال‌های قبل داشته است، اما در مقایسه با تورم سال‌جاری آنقدر هم تاثیری در معیشت فرهنگیان ندارد؛ چراکه در سال‌جاری تورم به میزان ۳۰/۵درصد افزایش داشته و درواقع تاثیر زیادی در معیشت فرهنگیان ندارد.

همچنین طی هشت سال اخیر کارگران در افزایش حقوق خود اوضاع بهتری نسبت به فرهنگیان داشته‌اند، گرچه درصد حقوق آنها نیز

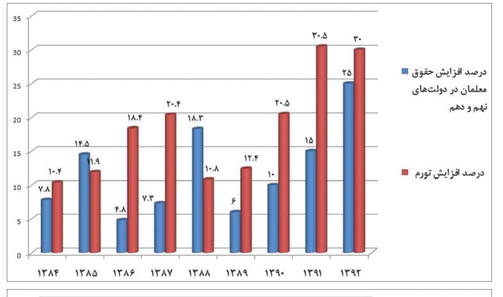

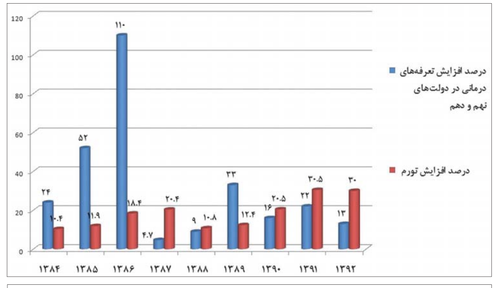

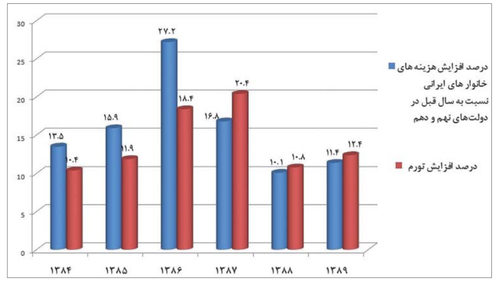

میراث اجتماعی احمدی‌نژاد در آینه آمار

دولت، دیگر می‌رود؛ دولت دیگر در راه است

عکس: امیر مجیدی، شرق

از درصد افزایش تورم جا مانده است. براساس بررسی «شرق» کارگران طی هشتسال اخیر در مجموع شاهد افزایش ۱۵۰درصدی حقوق خود بودند که تنها ۴درصد از میزان افزایش تورم پایین‌تر است. درحالی که درصد افزایش حقوق فرهنگیان طی هشت سال اخیر ۱۰۸درصد و تورم ۱۶۴درصد بوده است. به عبارت دیگر درصد افزایش حقوق فرهنگیان طی هشتسال اخیر ۵۶درصد کمتر از میزان افزایش تورم (طی هشتسال اخیر) بوده است.

افزایش سرسام‌آور هزینه‌های درمانی

بیمارستان‌های خصوصی در این روزها برای بیماران و خانواده‌های آنها تبدیل به محلی شده است که با پرداخت هزینه‌های گزاف دیگر در صف بیمارستان‌های دولتی قرار نمی‌گیرند. بیمارستان دیگر در کسود امکانات بیمارستان‌های دولتی معطل نمی‌مانند و در محیط‌هایی مملو از پزشکان متخصص، کادر خوشرفتار و تختخای مجهز و البته تعرفه‌های میلیونی بدون دردسر معالجه می‌شوند.

تجربه نشان می‌دهد که بسیاری از مردم برای پرداخت هزینه‌های درمان خود صرفه‌جویی نمی‌کنند و برای یافتن دوباره سلامتی خود حاضرند تعرفه‌های بالای بیمارستان‌های خصوصی را به جان بخرند، به جای اینکه بیماری در آنها ماندگار شود یا در برخی بیمارستان‌های دولتی ماه‌ها یا سال‌ها در نوبت معالجه قرار گیرند. حتی هستند بسیاری که با فروش وسایل زندگی خود به این بیمارستان‌ها مراجعه می‌کنند. آمارها نشان می‌دهد که از مجموع میدهزار تخت بیمارستانی در کشور ۸۰هزار تخت در بخش دولتی و تنها ۲۰هزار تخت در بخش خصوصی به سر می‌برند، اما در حالی اینجاست که ۸۰درصد از هزینه‌های مردم برای درمان در کشور به جیب بیمارستان‌های خصوصی می‌رود. بیمارستان‌های خصوصی در تهران و سایر کلانشهرهای کشور در حالی در طول چندین سال اخیر پیشرفت قابل توجهی داشته‌اند که تعرفه‌های درمانی آنها نیز همپای این پیشرفت زیرساختی حرکت کرده است. اما با وجود این، کسانی هستند که تنها با مراجعه یکباره به این بیمارستان‌ها به زیر خط فقر سقوط می‌کنند. گواه این امر اظهارات علیرضا رالی، قائم‌مقام سازمان نظام پزشکی به کوچ عدتی پیش یا اشاره به تاثیر